

**اصل قائم مقامی در حقوق بیمه،
رویه قضائی با مطالعه تطبیقی
در حقوق فرانسه و انگلیس**

www.ketab.ir

دکتر مریم احمدی

دکتری تخصصی حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه



سرشناسه	احمدی، مریم، ۱۳۴۲ -
عنوان قراردادی	ایران، قوانین و احکام Iran. Laws, etc فرانسه، قوانین و احکام France.Laws,etc انگلستان، قوانین و احکام Great Britain.Laws,etc
عنوان و نام پندآور	اصل قائم مقامی در حقوق بیمه: رویه قضایی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و انگلیس/مریم احمدی.
مشخصات نشر	تهران: حقوق یار، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۲۷۴ ص.
شابک	۹۷۸-622-7220-44-5
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۵۹] - ۱۳۷۳ همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع	حقوق بیمه -- ایران Insurance law -- Iran حقوق بیمه -- انگلستان Insurance law -- Great Britain حقوق بیمه -- فرانسه Insurance law-- France جانشینی (حقوق) -- ایران Subrogation -- Iran جانشینی (حقوق) -- فرانسه Subrogation -- France جانشینی (حقوق) -- انگلستان Subrogation -- Great Britain حقوق تطبیقی Comparative law KMH۹۹۸ ۵۵۰۸۶/۳۴۶ ۸۷۳۶۹۳۹
رده بندی کنگره	
رده بندی دیویی	
شماره کتابشناسی ملی	



اصل قائم مقامی در حقوق بیمه، رویه قضایی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و انگلیس تدوین: دکتر مریم احمدی

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

انتشارات: حقوق یار

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ

ISBN: 978-622-7220-44-5

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۰۴۴-۵

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان روانمهر،

بن بست دولت شاهی، پلاک ۱ واحد ۱، انتشارات حقوق یار

فروشگاه الکترونیکی: www.hoghoghyaar.com

تلفن تماس: ۶۶۴۰۶۲۸۵، ۶۶۴۰۶۶۹۷۷۷۸۴-۷۳-۶۶۹۵۲۰۷۳

فکس: ۶۶۴۹۲۲۹۵

فهرست مطالب

پیش گفتار.....	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
۱۷.....	مقدمه
۲۳.....	ارکان مقدمه:
۲۳.....	گفتار اول - بیان مسئله:
۲۶.....	گفتار دوم- سوالات تحقیق:
۲۶.....	بند اول- سوالات اصلی:
۲۶.....	بند دوم- سوالات فرعی:
۲۶.....	گفتار سوم - فرضیات:
۲۶.....	بند اول- فرضیات اصلی:
۲۷.....	بند دوم- فرضیات فرعی:
۲۷.....	گفتار چهارم - سوابق مربوطه:
۲۸.....	گفتار پنجم - اهداف تحقیق:
۲۹.....	گفتار ششم - هدف کاربردی:
۲۹.....	گفتار هفتم - روش کار:
۳۰.....	گفتار هشتم - ساختار تحقیق:
۳۱.....	گفتار نهم - جنبه جدید بودن و نوآوری طرح:
۳۳.....	فصل اول: مفاهیم و تعاریف
۳۳.....	گفتار اول - مفهوم عقد

- بند اول - اصل نسبی بودن قراردادها و اصل قابل استناد بودن آنها ۳۳
- بخش اول - اصل شخصی بودن قرارداد ۳۳
- قسمت اول - ریشه تاریخی در حقوق ایران ۳۴
- قسمت دوم - ریشه تاریخی در حقوق انگلیس ۳۵
- قسمت سوم - ریشه تاریخی در حقوق فرانسه ۳۶
- گفتار دوم - مفهوم عقد بیمه ۳۷
- بند اول - تعریف عقد بیمه و اصطلاحات آن ۳۷
- بخش اول - تعریف لغوی بیمه ۳۷
- بخش دوم - تعریف اصطلاحی بیمه ۳۸
- بخش سوم - اصطلاحات بیمه ۳۹
- بند دوم - تاریخچه بیمه ۴۱
- بخش اول - عقد بیمه در دنیا ۴۱
- بخش دوم - عقد بیمه از منظر فقه اسلامی ۴۳
- بخش سوم - عقد بیمه در حقوق ایران ۴۶
- گفتار سوم - بیمه و انواع عقد بیمه ۴۸
- بند اول - عقد بیمه در حقوق ایران ۴۸
- بخش اول - بیمه اجباری ۴۸
- بخش دوم - بیمه اختیاری (بازرگانی) ۵۰
- بند دوم - عقد بیمه در حقوق انگلیس ۵۱
- بخش اول - بیمه‌های خسارت ۵۱
- بخش دوم - بیمه‌های احتمالی ۵۱
- بند سوم - عقد بیمه در حقوق فرانسه ۵۲
- گفتار چهارم - تعریف و تبیین نظریه قائم مقامی ۵۳
- بند اول - قائم مقامی در لغت ۵۳
- بند دوم - قائم مقامی در قوانین ۵۳
- بخش اول - قائم مقامی مبتنی بر نیابت ۵۴

بخش دوم - قائم مقامی مبتنی بر پرداخت دین دیگری.....	۵۵
بخش سوم - قائم مقامی در عقود مبتنی بر انتقال اموال و دارایی.....	۵۵
بند سوم - نظریه قائم مقامی.....	۵۶
بخش اول - نظریه قائم مقامی در حقوق فرانسه.....	۵۷
بخش دوم - سابقه تاریخی نظریه قائم مقامی در حقوق فرانسه.....	۶۱
بخش سوم - پیدایش نظریه قائم مقامی در حقوق فرانسه.....	۶۴
قسمت اول - استثنائات قائم مقامی در حقوق فرانسه.....	۶۷
بخش چهارم - نظریه قائم مقامی در حقوق ایران.....	۶۹
بند چهارم - قائم مقامی و نمایندگی.....	۷۰
بخش اول - قائم مقامی.....	۷۰
بخش دوم - نمایندگی.....	۷۲
بخش سوم - نقد قانونگذاری در مفاهیم قائم مقامی و نمایندگی.....	۷۳
گفتار پنجم - اقسام قائم مقامی.....	۷۴
بند اول - اقسام قائم مقامی در حقوق ایران.....	۷۴
بخش اول: قائم مقامی عینی و شخصی.....	۷۴
قسمت اول: قائم مقامی عینی و اقسام آن.....	۷۴
قسمت دوم: قائم مقامی شخصی و اقسام آن.....	۷۶
بخش دوم: قائم مقامی عام و خاص.....	۷۹
قسمت اول - قائم مقامی عام.....	۷۹
قسمت دوم - قائم مقامی خاص.....	۸۱
بند دوم - اقسام قائم مقامی در حقوق انگلیس.....	۸۳
بند سوم - اقسام قائم مقامی در حقوق فرانسه.....	۸۶
قسمت اول - قائم مقامی شخصی و عینی.....	۸۷
قسمت دوم - قائم مقامی شخصی (جانشینی مصطلح در حقوق مدنی).....	۸۹
فصل دوم: اصول حاکم بر قراردادهای بیمه‌گر و منشا آن.....	۹۵
مبحث اول - اصول حاکم بر قراردادهای بیمه‌ای.....	۹۵

- گفتار اول - اصل حسن نیت ۹۵
- گفتار دوم - اصل غرامت یا زیان ۹۷
- گفتار سوم - اصل نفع بیمه پذیری ۱۰۳
- بند اول - اصل نفع بیمه پذیری در رشته‌های مختلف بیمه ۱۰۴
- گفتار چهارم - اصل قائم مقامی ۱۰۴
- گفتار پنجم - اصل تعدد بیمه یا منع بیمه مضاعف ۱۰۵
- گفتار ششم - اصل دآوری ۱۰۵
- گفتار هفتم - اصل علت نزدیک ۱۰۶
- گفتار هشتم - اصل اتکایی ۱۰۷
- مبحث دوم - تاریخچه قائم مقامی بیمه گر ۱۰۸
- گفتار اول - تاریخچه و سابقه قائم مقامی بیمه گر در حقوق ایران ۱۰۸
- گفتار دوم - سابقه قائم مقامی بیمه گر در حقوق فرانسه ۱۱۷
- گفتار سوم - سیر تطور قائم مقامی بیمه گر در حقوق انگلستان ۱۲۰
- مبحث سوم - منشا قائم مقامی بیمه گر ۱۲۳
- گفتار اول - اصل جبران خسارت یا غرامت ۱۲۴
- گفتار دوم - اصل تعدد یا منع بیمه مضاعف ۱۲۵
- بند اول - وحدت زمان ۱۲۶
- بند دوم - وحدت موضوع ۱۲۶
- بند سوم - وحدت ذینفع ۱۲۶
- بند چهارم - وحدت ریسک یا خطر ۱۲۷
- فصل سوم: ماهیت حقوقی قائم مقامی بیمه گر و تحلیل و توجیه نظریه حق رجوع بیمه گر ۱۲۹
- مبحث اول - مبنا و ماهیت حقوقی قائم مقامی بیمه گر ۱۲۹
- گفتار اول - در حقوق ایران ۱۲۹
- بند اول - اصول و قواعد حقوقی ۱۴۲
- بند دوم - قوانین موضوعه ۱۴۳

بند سوم- قرارداد.....	۱۵۵
گفتار دوم- در حقوق انگلستان.....	۱۵۶
گفتار سوم- در حقوق فرانسه.....	۱۵۸
بند اول- سیاست‌های کلی و مبنای حق رجوع بیمه‌گر.....	۱۵۸
بخش اول - سیاست انتخاب (Election).....	۱۶۰
بخش دوم- سیاست جمع (Cumulation).....	۱۶۱
بخش سوم- سیاست رجوع یا استرداد (Reimbursement).....	۱۶۵
مبحث دوم- تحلیل و توجیه نظریه قائم مقامی یا نظریه حق رجوع بیمه‌گر.....	۱۶۹
گفتار اول- اصل جبران خسارت در نظام مسئولیت مدنی و اصل غرامت در حقوق بیمه.....	۱۷۰
گفتار دوم- دعوای تسبیب یا مسئولیت مدنی.....	۱۷۳
گفتار سوم- دعوای قائم مقامی بیمه‌گر یا دعوای حق رجوع بیمه‌گر.....	۱۷۷
بند اول- مفهوم دعوای قائم مقامی بیمه‌گر.....	۱۷۷
بند دوم- مبنای دعوای قائم مقامی بیمه‌گر.....	۱۸۰
فصل چهارم: بررسی شرایط تحقق قائم مقامی بیمه‌گر و گستره اجرای آن.....	۱۹۱
مبحث اول- شرایط تحقق قائم مقامی بیمه‌گر یا شرایط رجوع بیمه‌گر به عامل ورود زیان.....	۱۹۷
گفتار اول- شرایط مربوط به عقد بیمه.....	۲۰۰
بند اول- صحت قرارداد بیمه.....	۲۰۱
بند دوم- تحت پوشش بودن خطر.....	۲۰۲
گفتار دوم- وجود دین یا دعوای مسئولیت علیه ثالث.....	۲۰۳
بند اول- نحوه تشخیص عامل ورود زیان جهت رجوع شرکت بیمه در مقام قائم مقامی.....	۲۰۹
بند دوم- بررسی شمول یا عدم شمول مرور زمان در دعوای مطروحه از سوی شرکت بیمه در جایگاه قائم مقامی.....	۲۱۰
گفتار سوم- پرداخت غرامت.....	۲۱۱
مبحث دوم- بررسی نهادهای مشابه با قائم مقامی بیمه‌گر و نظایر آن.....	۲۲۴
گفتار اول- نهادهای مشابه با قائم مقامی بیمه‌گر.....	۲۲۴

- بند اول - مقایسه نهاد واگذاری و حق قائم مقامی ۲۲۴
- بند دوم - مقایسه نهاد ترک مالکیت و حق قائم مقامی ۲۲۸
- گفتار دوم - نظایر قائم مقامی قانونی بیمهگر در سایر قوانین ۲۳۰
- بند اول - قائم مقامی قانونی غاصب ۲۳۱
- بند دوم - قائم مقامی قانونی مرتهن در رهن مکرر ۲۳۹
- بند سوم - قائم مقامی قانونی ثالث پرداخت کننده وجه اسناد تجاری ۲۴۰
- گفتار سوم - تاریخچه صندوق تأمین خسارات بدنی ۲۴۲
- بند اول - چگونگی مراجعه زیان دیدگان به صندوق تأمین خسارات بدنی ۲۴۳
- بند دوم - وظایف صندوق تأمین خسارات بدنی ۲۴۴
- بند سوم - نحوه تأمین منابع مالی صندوق ۲۴۵
- بند چهارم - نهادهای پرداخت خسارت در حقوق انگلستان ۲۴۶
- بخش اول - مقایسه نحوه ارزیابی خسارت توسط دیه و ساز و کارهای حقوق انگلستان ۲۵۴
- بخش دوم - طرق و شیوه‌های پرداخت خسارت ۲۵۵
- بند پنجم - تاریخچه نهادهای مشابه با صندوق تأمین خسارات‌های بدنی در کشورهای مختلف جهان: ۲۶۱
- مبحث سوم - گستره اجرای قائم مقامی بیمه گر ۲۶۵
- گفتار اول - بررسی قلمرو قائم مقامی بیمه گر ۲۶۶
- بند اول - بیمه‌های خسارتی ۲۶۷
- بخش اول - بیمه اموال ۲۶۷
- بخش دوم - بیمه اشیاء ۲۶۸
- بخش سوم - بیمه‌های زیان پولی (مالی) ۲۷۰
- بخش پنجم - بیمه مسئولیت ۲۷۴
- بند دوم - بیمه‌های اشخاص ۲۸۰
- گفتار دوم - موانع قائم مقامی بیمه گر یا موارد عدم امکان رجوع بیمه‌گر (منتفی شدن قائم مقامی) ۲۸۹
- بند اول - موانع قانونی ۲۸۹

بند دوم- موانع قراردادی (شروط مخالف قائم مقامی بیمه‌گر).....	۲۹۸
بخش اول- شروط مخالف قائم مقامی در روابط میان بیمه‌گذار و مسئول حادثه.....	۳۰۱
بخش دوم- شروط مخالف قائم مقامی در روابط میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار.....	۳۰۳
بخش سوم- شروط مخالف قائم مقامی در روابط میان بیمه‌گران.....	۳۰۷
گفتار سوم- اقامه و طرح دعوای قائم مقامی بیمه‌گر.....	۳۰۸
بند اول- تعیین دادگاه صالح در رسیدگی به دعوای قائم مقامی.....	۳۱۳
بخش اول- صلاحیت دادگاه مدنی.....	۳۱۳
بخش دوم- صلاحیت دادگاه کیفری (طرح دعوای قائم مقامی ضمن دعوای کیفری توسط بیمه‌گر).....	۳۱۵
بند دوم- طرح دعوا قبل از پرداخت.....	۳۱۶
بخش اول- جلب مسئول حادثه به دادرسی توسط بیمه‌گر.....	۳۱۷
بخش دوم- طرح دعوای قائم مقامی (اصلی) پیش از پرداخت غرامت.....	۳۲۱
بند سوم- طرح دعوا پس از پرداخت.....	۳۲۱
بخش اول- امکان وصول طلب از عامل زیان.....	۳۲۱
بخش دوم- تقصیر مشترک عامل زیان با بیمه‌گذار.....	۳۲۲
فصل پنجم: آثار و نتایج اصل قائم مقامی بیمه‌گر و سیر تحولات آن.....	۳۲۵
مبحث اول- آثار و نتایج اصل قائم مقامی بیمه‌گر.....	۳۲۵
گفتار اول- تکالیف بیمه‌گر.....	۳۲۵
بند اول: انتقال طلب.....	۳۲۶
بند دوم: انتقال توابع طلب.....	۳۲۷
گفتار دوم- تکالیف بیمه‌گذار.....	۳۲۹
بند اول- ممنوعیت اقدام به ضرر بیمه‌گر و لزوم همکاری با او.....	۳۲۹
بند دوم- حق تقدم در دریافت خسارات جبران نشده.....	۳۳۰
گفتار سوم- تکالیف عامل ورود زیان.....	۳۳۲
بند اول- مشغولیت ذمه مدیون در برابر بیمه‌گر.....	۳۳۲
بند دوم- امکان استناد به ایرادات و دفاعیات.....	۳۳۳

- مبحث دوم- تحولات قائم مقامی بیمه گر با توجه به دگرگونی قانون جدید بیمه اجباری
و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران ۳۳۵
- گفتار اول- تحولات قانون جدید در خصوص حقوق بیمه گر ۳۳۵
- گفتار دوم- تحولات قانون جدید در خصوص تکالیف بیمه گر ۳۴۰
- مبحث سوم: حقوق و تعهدات صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در قانون بیمه اجباری
مصوب ۱۳۹۵ ۳۴۸
- گفتار اول: توسعه تعهدات صندوق ۳۴۸
- گفتار دوم: مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی و تصادم وسایل نقلیه در حقوق
فرانسه ۳۴۹
- بند اول: نظریات مرسوم ۳۴۹
- بند دوم: تحول رویه قضائی فرانسه و تمایل به نظریه خطر ۳۵۰
- نتیجه گیری ۳۵۳
- منابع و مآخذ ۳۵۹

پیش‌گفتار

نهاد مسئولیت مدنی در کنار بیمه‌ها زمانی مطرح گردید که اولین بیمه‌ها و نظام‌های تأمین اجتماعی در دنیا شکل گرفت. زیرا هم بیمه‌گذار جبران خسارت شده و از طرفی مسئول حادثه تاوان عمل خویش را نداده بود اما از آن‌جائیکه بیمه‌گران در پرداخت غرامت به قرارداد خویش عمل می‌کردند و دین مسئولان حوادث را نمی‌پرداختند رجوع به مسئولان حوادث و به بیان بهتر تحقق اصل قائم مقامی بیمه‌گر ضروری دانسته شد. از طرفی عوامل و مبنای ایجاد مسئولیت بیمه‌گر به عنوان قائم مقام دارای یکسری پیچیدگی خاصی است که نیازمند تدقیق می‌باشد. سه عاملی که در ایجاد مسئولیت بیمه‌گر به عنوان قائم مقام دخیل هستند: ۱- قرارداد ۲- قانون ۳- تقصیر بیمه‌گذار یا وقوع حادثه و خطر. حال اینکه براساس کدام یک از نظریه‌های ارائه شده می‌توان مسئولیت بیمه‌گر را توجیه نمود و بیمه‌گر را مسئول جبران خسارت ناشی از فعل غیر دانست جای تامل دارد. در این خصوص نظریاتی از جمله نظریه ضمانت، نظریه تضمین گروهی، نظریه تعهد به نفع ثالث ارائه شده است که می‌توان مسئولیت بیمه‌گر را در قالب قراردادهای بیمه‌ای که که ذینفع، شخصی غیر از بیمه‌گذار است را بر مبنای نظریه تعهد به نفع ثالث دانست و در سایر قراردادهای بیمه‌ای اساس مسئولیت بیمه‌گر را بر مبنای نظریه تضمین گروهی و تعاون توجیه نمود. در بحث ماهیت پرداختی بیمه‌گر به بیمه‌گذار در پی پاسخ به این سوال هستیم که ماهیت مسئولیت مدنی بیمه‌گر، طلب یا بدهی بیمه‌گذار است یا خسارت؟ در واقع وجه پرداختی بیمه‌گر دارای ماهیت طلب بیمه‌گذار و عوض حق بیمه‌ها می‌باشد. در واقع می‌توان گفت خسارت واقعی جبران نشده است بلکه پس از جبران زیان از سوی بیمه‌گر براساس رابطه قراردادی، بیمه‌گذار یا بیمه‌گر به قائم مقامی از وی بر مبنای ماده ۳۰ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ می‌تواند به مسئول حادثه مراجعه نماید و خسارت واقعی را جبران کند و این رجوع مشمول قاعده منع جبران مضاعف خسارت نمی‌شود. به دیگر سخن، لازمه اصل قائم مقامی، طلب یا بدهی بودن ماهیت وجه پرداختی بیمه‌گر می‌باشد و حق رجوع بیمه‌گذار به

مسئول زیان از بین نمی رود چون پرداختی بیمه‌گر جبران خسارت واقعی بیمه‌گذار نیست. چرا که باید برای بیمه‌گذار حقی موجود باشد تا بیمه‌گر بتواند به موجب قائم مقامی به عامل زیان مراجعه نماید. باتوجه به اهمیت و کاربرد گسترده اصل قائم مقامی در بیمه نوشتار حاضر در صدد برآمده است، ضمن تبیین این اصل در حقوق بیمه به ماهیت و مبنای آن در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس و فرانسه بپردازد.

واژگان کلیدی: قائم مقامی، بیمه‌های غرامتی، مسئولیت مدنی، رجوع، اصل خسارت.

مقدمه

از زمان تشکیل نخستین دولت‌ها و یا حتی قبل از آن، مفاهیمی همچون خطا، مسئولیت و جبران خسارت مطرح بوده است. قاعده عمومی اخلاقی و حقوقی ایجاب می‌نمود که هرکس به دیگری ضرر برساند، خود او مسئول جبران خسارت آمده می‌باشد. این امر لازمه حفظ نظم عمومی بود و فقدان آن منجر به رواج هرج و مرج و از دست رفتن سرمایه‌های جامعه می‌شد. منع اضرار به غیر و جبران ضرر وارده به دیگری از مفاهیمی است که تحت عناوین مختلف در نظام‌های حقوقی گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال در حقوق اسلامی قاعده‌ای تحت عنوان "قاعده لاضرر" هست که هم بر ممنوعیت ضرر به غیر و هم بر جبران ضرر وارده حکم می‌کند. یا مثلاً در حقوق غربی "اصل جبران خسارت" بر دفع ضرر از زیان دیده تأکید می‌کند. توجه به سیر تاریخی جبران خسارت در جوامع گوناگون و نظام‌های حقوقی دنیا حاکی از آن است که تحولات دیگری در این زمینه رخ داده است. این تحولات نتیجه گسترش روز افزون علم و صنعت و تجارت است که هر روزه موجب افزایش خطرات و حوادث خسارت باری که جان و مال افراد را تهدید می‌کند شده است و به این ترتیب در حقوق کنونی، درصد وضع سازوکارهای جدیدتری برای جبران خسارت زیان دیده برآمده که از آن جمله می‌توان به بیمه‌های خصوصی و اجتماعی اشاره کرد. بر این اساس بیمه‌ها با هدف تأمین خاطر و تضمین مال و جان افراد به وجود آمدند و به مرور زمان با گسترش صنعت بیمه، تنوعات زیادی در موضوعات بیمه ایجاد شد که این امر موجب شد تا افراد در سطوح مختلف جامعه از این امتیاز قانونی تضمین کننده امنیت جانی و مالی و شغلی بهره ببرند. به این ترتیب مسئولیت مدنی علی رغم اهمیت و گستردگی مباحث مربوط به آن و با اینکه به عنوان منبع اصلی جبران خسارت بوده، در عمل از متن به حاشیه کشیده شده و به جای آن بیمه که به عنوان منبع فرعی جبران خسارت است، به دلیل ویژگی‌هایی از قبیل فراگیری و اجباری بودن برخی از آنها و قطعی الوصول بودن مبلغ آن و نداشتن تشریفات و فقدان اطاله دادرسی، جایگاه والایی در نظام جبران خسارت بدست آورد. با وجود دو منبع مذکور جبران خسارت، گاه پیش می‌آید که فردی که دچار زیان مالی یا جانی شده، بتواند از

هر دو طریق جبران خسارت نماید. به این شکل که ممکن است در بروز خسارت مالی به یک فردی که مال خود را بیمه نموده شخص ثالثی دخیل باشد که در این صورت زیان دیده برای جبران خسارت خود از یک طرف شرکت بیمه‌گر را پیش رو دارد و از طرف دیگر هم نظام مسئولیت مدنی، که بیمه‌گر براساس تعهد قراردادی با بیمه‌گذار، خود وظیفه جبران خسارت وارده به وی را به عهده دارد. در مواجهه با این وضعیت، حقوقدانان نظریات و سیاست‌های گوناگونی را مطرح نمودند از جمله این که عده‌ای بیان داشته‌اند که بیمه‌گذار می‌تواند از هر دو منبع استفاده نماید در مقابل گروهی دیگر بر این عقیده استوارند که بیمه‌گذار برای جبران خسارت، تنها حق انتخاب یکی از دو منبع فوق را دارد. سیاست مطرح شده دیگر، کاهش بار مسئولیت عامل زیان است؛ به این ترتیب که زیان دیده ابتدا از طریق بیمه، جبران خسارت شود و در صورت عدم جبران کامل خسارت، به عامل زیان رجوع کند. آخرین راه حل مطرح شده برای سازگار کردن دو منبع جبران خسارت، راه حل باز پرداخت یا استرداد است که متکی بر دو اصل اساسی می‌باشد، یکی اصل غرامت و دیگری اصل قائم مقامی. بر اساس اصل غرامت یا خسارت، فرد زیان دیده تنها باید به میزان خسارتی که به وی وارد شده، جبران خسارت شود نه بیش از آن. در غیر این صورت بی احتیاطی در مواظبت از مال رواج می‌یابد. بنابراین بیمه‌گذاری که خسارت وارده به مال خود را از طریق بیمه، به طور کامل دریافت می‌کند، دیگر حق دریافت این خسارت را از مسئول زیان نخواهد داشت. اما وجود قرارداد بیمه هم نباید موجب شود که فرد عامل زیان، از تعهد جبران خسارت خود بگریزد و خطای او بدون پاسخ بماند. بر همین اساس به شرکت‌های بیمه این حق اعطاء شده که پس از جبران خسارت به زیان دیده، به عنوان قائم مقامی از طرف او به عامل زیان مراجعه نماید. به این ترتیب، در خصوص چگونگی حق رجوع بیمه‌گر به مسئول زیان، دو نظریه مطرح شده است. عده‌ای می‌گویند حق رجوع بر مبنای دعوای شخصی صورت می‌گیرد و عده‌ای هم این رجوع را بر مبنای قائم مقامی می‌دانند. کسانی که مبنای رجوع را بر پایه دعوای شخصی می‌دانند، این گونه استدلال می‌کنند که مسئول زیان موجب ورود خسارت به بیمه‌گر شده است؛ زیرا او با ورود ضرر به زیان دیده موجب پرداخت خسارت توسط بیمه‌گر شده و این امر باعث کاهش دارایی بیمه‌گر و در نتیجه خسارت به او شده است. اما به این استدلال این گونه پاسخ داده شده است که میان فعل عامل ورود زیان و ورود خسارت به بیمه‌گر، رابطه علیت مستقیم وجود ندارد بلکه بیمه‌گر بر اساس تعهدات قراردادی خود اقدام به پرداخت نموده است؛ کما اینکه اگر مسئولی هم برای ورود خسارت وجود نداشت باز هم بیمه‌گر موظف به جبران خسارت از زیان دیده بود. پس بیمه‌گر پس از پرداخت خسارت به بیمه‌گذار، بر اساس اصل قائم مقامی به مسئول زیان رجوع می‌کند و حق

مذکور بر اساس قصد مشترک طرفین قرارداد و به حکم قانونگذار به بیمه‌گر اعطا گردیده است تا از طرفی از جبران مجدد خسارت زیان دیده جلوگیری شود و از طرف دیگر، مسئول زیان نیز به حال خود رها نشود. ضمن اینکه به گفته یکی از اساتید: اعطای این حق چه در قرارداد بیمه و چه در قانون، مبتنی بر این فرض است که بیمه‌گران یا هر مرجع دیگر در تعیین نرخ‌های حق بیمه، عامل باز یافت خسارات از مسئولان را مورد محاسبه قرار می‌دهند. بر این اساس وقتی تعقیب مسئول از طرف بیمه‌گر، به استناد قرارداد یا قانون، موجه و از منطقی حقوقی برخوردار است که محاسبه حق بیمه با التفات به درآمد حاصل از باز یافتی‌ها صورت گرفته باشد و اگر چنین نباشد، در واقع بیمه‌گر درآمدی بدست می‌آورد که مستحق آن نیست.^۱ در واقع می‌توان گفت، مبنای اصل قائم مقامی که در ماده ۳۰ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ مورد اشاره قرار گرفته است، یکی از کاربردی‌ترین اصول حاکم بر بیمه‌های غرامتی می‌باشد و با این عبارت مورد عنوان قرار گرفته است: "بیمه‌گر در حدودی که خسارت وارده را قبول یا پرداخت کند، در مقابل اشخاصی که مسئول وقوع حادثه یا خسارت هستند، قائم مقام بیمه‌گذار خواهد بود و اگر بیمه‌گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد، در مقابل بیمه‌گر مسئول شناخته می‌شود". اصل قائم مقامی از اصول و قواعد مهمی نظیر: اصل جبران خسارت، منع دریافت خسارت مضاعف بابت دین واحد، جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه، لزوم تحمیل بار نهائی مسئولیت بر عهده مسبب اصلی ناشی شده است. این اصل در آن دسته از بیمه‌های اشخاصی که بر بنیاد غرامتی دارند و همچنین در آن دسته از بیمه‌های مسئولیتی که بیمه‌گذار صرفاً مسئول جبران خسارت وارده به زیان دیده است نه مدیون نهایی آن به کار می‌رود. در واقع ماهیت حقوقی اصل قائم مقامی، نوعی قائم مقامی شخصی است که در اثر پرداخت دین دیگری حاصل می‌شود، باین توضیح که اگرچه بیمه‌گر بر حسب قرارداد بیمه ملزم است تا خسارت وارده به بیمه‌گذار را جبران نماید، لیکن از انجائیکه وی صرفاً مسئول پرداخت دین است نه مدیون آن، لذا به محض پرداخت خسارت، تا سقف پرداختی که داشته قائم مقام بیمه‌گذار در مراجعه به مسبب حادثه خواهد شد. بدین ترتیب بیمه‌گر ضمن برخورداری از کلیه حقوق و مزایای بیمه‌گذار در مراجعه به مسبب زیان، ملزم به پذیرش کلیه دفاعیات و ایراداتی است که شخص ثالث حق استناد به آنها را در برابر بیمه‌گذار داشته است. به موجب اصل خسارت، در صورت وقوع حادثه نسبت به مورد بیمه، بیمه‌گذار، فقط تا میزانی که خسارت دیده، غرامت دریافت خواهد کرد. در مقابل، بیمه‌گر نیز متعهد است که خسارت واقعی بیمه‌گذار را تا میزان تعهد

۱. رفیعیان، ضیاء، باز یافت خسارت در صنعت بیمه، فصلنامه پیام بیمه ایران، شماره ۸، ۱۳۸۶، ص ۵.

خود بپردازد. بدین ترتیب که، چنانچه بیمه‌گذار با خسارتی مواجه شود که از ناحیه شخص ثالث به وی وارد شده است، برای بیمه‌گذار امکان رجوع به بیمه‌گر خود از جهت قرارداد بیمه و همچنین رجوع به شخص ثالث از جهت قواعد عام مسئولیت مدنی برای مطالبه خسارت خود وجود دارد. در چنین اوضاعی، چنانچه بیمه‌گذار، خسارت خود را هم از بیمه‌گر و هم از شخص ثالث مطالبه کند، با اصل خسارت مغایرت دارد، برای احتراز از چنین وضعیتی، اصل قائم مقامی بیمه‌گر در رجوع به مسبب زیان بعد از پرداخت خسارت بیمه‌گذار اجرا خواهد شد. به این عمل بیمه‌گر که در نتیجه حق قائم مقامی اعمال می‌گردد، ریکآوری خسارت می‌نامند. لازم به ذکر است که بیمه دارای موضوعات متنوعی است اما به طور کلی بیمه‌ها بر اساس اهداف آنها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: یک نوع بیمه‌هایی است که صرفاً برای پرداخت غرامت و جبران خسارت تأسیس شده‌اند. مانند: بیمه‌های اشیاء و بیمه‌های مسئولیت و نوع دیگر بیمه‌هایی هستند که مبتنی بر جبران خسارت نبوده و علاوه بر تضمین خاطر، نوعی سرمایه‌گذاری به حساب می‌آیند. مانند: بیمه‌های اشخاص که نوع معمول آن بیمه عمر است. این تقسیم‌بندی موجب شد که حقوقدانان متخصص حوزه بیمه، در ادامه دعوی قائم مقامی در بیمه اشخاص به طور مطلق تردید نمایند و منکر صحت آن در بیمه‌های اشخاص گردند. این مسأله به دلیل غلبه جنبه سرمایه‌گذاری در این نوع بیمه‌ها است. در واقع در این نوع بیمه‌ها، هدف بیمه‌گذار علاوه بر تضمین و آسایش خاطر این است که در مواقعی که حادثه‌ای برایش رخ دهد، نوعی پشتوانه مالی داشته باشد که بدون فوت وقت به آن دسترسی یابد و یا اگر احیاناً دارایی عامل زیان برای پرداخت کل یا قسمتی از خسارت کافی نباشد، از طریق بیمه هم تأمین مالی شود.

حل مسائل مربوط به اصل عدم جبران خسارت مضاعف بیمه‌گذار، عدم رهایی شخص ثالث مقصر حادثه از مسئولیت و ریکآوری خسارت بیمه‌گر پرداخت‌کننده خسارت با نگاهی به رویه موجود در نظام بیمه‌ای کشور انگلیس، تاثیر مستقیم بر تجارت بین‌الملل و صنعت بیمه‌ای ایران خواهد داشت. آشنایی با تحولات فکری و پیشرفت‌های نظام‌های حقوقی کامن لا به ویژه نظام حقوقی بیمه انگلیس که مسیرهای ذکر شده سطور بالا را سال‌ها گذرانده و از این روست که به دستاوردهای علمی و تجاری در سطح بین‌الملل که در سایه این نوع از بیمه شکوفا می‌شود دست یافته است، اینجانب را بر آن داشته تا قانون بیمه کشور انگلستان و فرانسه را به طور تطبیقی به عنوان یکی از منابع رساله حاضر در تفسیر و تحلیل مورد استفاده قرار گیرد، امید است که با تاثیر‌پذیری مفید از این دو نظام‌های حقوقی فوق‌الذکر در رابطه با حقوق بیمه بتوانم تا علاوه بر قانون بیمه ایران و قوانین مرتبط با آن همچنین به

بررسی رویه قضائی نظام حقوقی بیمه ایران نیز بپردازم. در واقع می‌توان گفت، قائم مقامی بیمه‌گر وسیله احیا و زنده نگه داشتن نهاد مسئولیت مدنی در کنار بیمه‌ها است. این که قراردادهای خصوصی تضمین کننده جبران خسارت اشخاص بوده نباید سبب شود تا عاملان خسارات وارد شده در پناه این قراردادهای به هر دلیلی رهایی یابند. شاید از انتقادهای جدی بر مکانیزم صنعت بیمه این موضوع باشد که چرا در پناه حمایت قراردادی بیمه‌ای برخی عاملان زیان از وظیفه قانونی جبران خسارت مدنی خود به دلیل به صرفه نبودن دعوای قائم مقامی برای بیمه‌گران شانه خالی می‌کنند. این سخن ظریف مدنظر نویسندگان خارجی نیز قرار گرفته است. به عنوان نمونه به گفته پاتریس ژوردن استاد مسئولیت مدنی کشور فرانسه «با ایجاد نظام تأمین اجتماعی، اجتماعی شدن خطرات محقق می‌شود و مسئولیت فردی به عنوان عامل جبران کننده خسارت از بین می‌رود. نهادهای تأمین - اجتماعی، مسئولیت را از فرد به گروه انتقال می‌دهد و به این ترتیب وجود مسئولیت مدنی مورد تهدید قرار می‌گیرد. اما بدون تردید مسئولیت مدنی یک نقش را برای خود حفظ می‌کند و آن در مرحله‌ای است که نهادهای پرداخت کننده در جستجوی آن هستند که مبلغی را که به زیان دیدگان پرداخت کنند از مسئولین حوادث دریافت دارند، ولی این دیگر آن نقش اصلی جبران خسارت که مسئولیت مدنی ایفا می‌کند نیست»^۱.

مسئله قائم مقامی بیمه‌گر یا همان جانشینی با به تعبیر دیگر رجوع بیمه‌گر به عامل - زیان از نهادهای مهم حقوق بیمه است که از حیث مفهوم مبنای قلمرو، شرایط و آثار قابل بحث و بررسی است. اگر از کنار حوادث موجد خسارت، که کسی مسئول وقوع آنها نیست بگذریم، در فرضی که شخصی یا اشخاصی مسئول خسارت وارد شده به بیمه‌گذار باشند، بیمه‌گر می‌تواند به استناد قائم مقامی موضوع ماده ۳۰ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ علیه ایشان اقامه دعوا نماید. از منظر حقوقدانان فرانسوی رجوع بیمه‌گر به اشخاص مسئول حادثه به دلایل اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و قضائی مورد تأیید حقوقدانان قرار گرفته است. از بعد اخلاقی، گفته شده اخلاق حکم می‌کند که مسئول حادثه می‌بایست، نتایج مسئولیت خویش را بر عهده گیرد و اگر به بیمه‌گذاری که از طریق بیمه، جبران خسارت شده است، اجازه اقامه دعوا علیه مسئول حادثه را بدهیم، از این طریق به او اجازه دوبار جبران خسارت را داده ایم. در دیدگاه حقوق فرانسه اگر دارا شدن بیمه‌گذار از این طریق غیراخلاقی نباشد که هست حداقل می‌توان گفت غیرعادی است. به علاوه این که دعوای قائم مقامی مانع از آن می‌شود که مسئول حادثه، ناعادلانه از عدم پرداخت خسارت سودی ببرد؛ چون رها

۱. ژوردن، ۱۳۸۵، ترجمه مجید ادیب: ص ۴۱.

کردن ثالث مسئول خود امری خلاف اخلاق اجتماعی است. از نظر اجتماعی نیز عدم اجرای دعوای قائم مقامی، خطر افزایش وقوع خسارات را به دنبال خواهد داشت و به این ترتیب ثالثی که می‌داند از اقامه دعوای مسئولیت در امان خواهد بود به ویژه زمانی که زیان دیده او نیز بیمه شده باشد، دیگر در رفتار خویش احتیاط لازم را نمی‌نماید. قائم مقامی به لحاظ اقتصادی نیز ضروری به نظر می‌رسد چرا که اگر بیمه‌گران فقط موظف به جبران سیستماتیک خسارات بیمه شدگان باشند، ممکن است به دلیل افزایش خسارات منجر به پرداخت، به تصدی‌گری در امر بیمه رغبت کمتری نشان دهند؛ و این امر در نهایت به ضرر جامعه خواهد بود.^۱ به نظر می‌رسد، این سخن نویسنده فرانسوی بدون توجه به واقعیت امر و بدون دقت در میزان حق بیمه‌های دریافتی از مشتریان بیمه صورت گرفته است! وی در نهایت از نظر حقوقی می‌گوید اگر رجوع بیمه‌گر را اجازه نداده و هم زمان زیان دیده را به دلیل گرفتن خسارت از بیمه‌گر در رجوع ممنوع بدانیم، به ثالث مسئول اجازه داده‌ایم تا به این وسیله از تعهد قانونی خویش که در واقع همان جبران خسارت می‌باشد، علی‌رغم برقراردادن مسئولیتش به موجب قانون، بگریزد که این نتیجه، با اساس و اصل مسئولیت مدنی وفق و موضوع ماده ۱۳۸۲ به بعد قانون مدنی فرانسه، تعارضی بزرگ و مستقیم دارد و رد حق رجوع بیمه‌گر نیز موجب انتفاع مسئول حادثه می‌گردد. در حقوق فرانسه به حکم «اصل جبران خسارت» که اصل بنیادین حقوق مسئولیت مدنی در این کشور است، جبران یک خسارت برای دو بار ممنوع است؛ زیرا هدف جبران خسارت، جبران کامل آن می‌باشد، نه کمتر و نه بیشتر. پس به این ترتیب با پذیرش و اجرای دعوای قائم مقامی، از عدم مجازات مسئول حادثه و نیز دارا شدن بلاجهت زیان دیده اجتناب می‌شود.^۲ اما در اینجا یک شبهه در حقوق بیمه ایران و فرانسه بدون پاسخ گذاشته شده است. آیا گرفتن وجه حاصل از دعوای قائم مقامی در کنار حق بیمه‌های اخذ شده موجب دارا شدن بی‌دلیل و ناعادلانه بیمه‌گران نمی‌شود؟!

1. Groutel, 2008, P: 1015-1017.

2. Groutel, Op.cit.